



به بهانه سالگرد آغاز قیام امام خمینی(ره) به تقویم قمری؛ این است، آن چیزی که ملت ایران باید مراقبش باشد

در زمان رژیم طاغوت مسائل بسیاری وجود داشت که هریک مستقلاً می‌توانست ملتی را علیه آن دستگاه شوم به حرکت وادارد، اما یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های قیام امام خمینی(ره) و همراهی مردم ایران با آن انسان والامقام، این مسئله بود که آمریکائی‌ها با سوءاستفاده از ضعف شخصیت شاه و دولت مردان آن رژیم، (مصونیت قضائی اتباع آمریکا یعنی «کاپیتولاسیون») را به ملت ایران تحمیل کردند.

نویسنده : رضا صابری خورزوقی

در زمان رژیم طاغوت مسائل بسیاری وجود داشت که هریک مستقلاً می‌توانست ملتی را علیه آن دستگاه شوم به حرکت وادارد، اما یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های قیام امام خمینی(ره) و همراهی مردم ایران با آن انسان والامقام، این مسئله بود که آمریکائی‌ها با سوءاستفاده از ضعف شخصیت شاه و دولت مردان آن رژیم، (مصونیت قضائی اتباع آمریکا یعنی «کاپیتولاسیون») را به ملت ایران تحمیل کردند.

* کاپیتولاسیون چیست؟

قریب به یقین خواننده گرامی خوب می‌داند «کاپیتولاسیون» چیست، اما از باب یادآوری نکاتی را عرض می‌کنیم:

* مقدمه:

بعد از جنگ جهانی دوم و بعد از اینکه ژاپن شکست را پذیرفت و رسماً اعلان کرده بود که تسلیم شده است، و اسلحه‌ها را زمین گذاشته بودند، دشمنان امروز ملت ایران، بدون توجه به اعلان تسلیم ژاپن، به مردم این کشور، ((تأکید می‌کنم، به مردم این کشور)) حمله اتمی کردند.

میدانید چرا ؟

برای اینکه آنان را وادار کنند «کاپیتولاسیون» یعنی مصونیت قضائی اتباع آمریکا را بپذیرند. و حالا، آمریکائی‌ها، در ژاپن «مصونیت قضائی» دارند.

کاپیتولاسیون یا همان «مصونیت قضائی» یعنی؛ اگر یک آمریکائی با تیربار وارد یکی از خیابان‌های ژاپن شود و مردم آن کشور را به رگبار ببندد، پلیس و دستگاه قضائی ژاپن حق دخالت و بازداشت او را ندارد.

فقط می‌توانند، به سفارت آمریکا نامه بنویسند و جنایت آن آمریکائی را گزارش بدهند و حکومت آمریکا اگر دلش خواست او را از ژاپن به آمریکا برگردانند.

کما اینکه، همین الان هر سال چند نوبت رسانه‌های ژاپنی، گزارشی از تجاوز نظامیان آمریکائی - که بعد از تحمیل کاپیتولاسیون، برای حفاظت از آن در ژاپن مستقر هستند- آنان به زنان و دختران ژاپنی منتشر می‌کنند، اما حکومت ژاپن، حتی حق بازداشت جنایت کاری که به ناموس‌شان تجاوز کرده را ندارد.

بله؛ این، آن چیزی است که ملت ایران برایش قیام کرده و آن را از آمریکا گرفته است و اکنون آن‌ها تلاش می‌کنند این ملت را از پشت سر رهبران‌شان به عقب برانند و دوباره آن جنایت و تحقیر بزرگ را در ایران را تکرار کنند. لذا، از هر وسیله‌ای برای رسیدن به این منظور استفاده می‌کنند.

آری، از هر وسیله‌ای،

هر جا راه را باز ببینند استفاده می‌کنند.

حتی ممکن است روزی، روزنه‌ای بسوی من پیدا کنند و مرا به وسیله‌ای برای فریب ملت تبدیل کنند. این، آن چیزی است که باید مراقبش باشیم.

* یکی از ابزارها دشمن

من معتقد هستم که بیشتر دزدی‌ها، مخصوصاً رقم‌های بزرگ، توسط همین دشمنان ملت، سازمان دهی می‌شود و با استفاده از طمع افراد ضعیف‌النفس به اجرا گذاشته می‌شود.

انشا الله روزی این مسئله برای مردم روشن شود.

آری؛

۱- ما بخواهیم یا نخواهیم در جنگی ناخواسته، با کسانی هستیم که انسانیت همانقدر برایشان مهم است که در یک لحظه با انداختن یک بمب اتم، بیش از صد هزار نفر انسان بی گناه، و شاید بی خبر از همه جا را نابود می کنند و بعد، با پُرروئی و وقاحت تمام از حقوق انسان حرف می زنند.

۲- پس باید مراقب همان هائی باشیم که دزدی ها را سازمان دهی می کنند و بعد از مدتی با قربانی کردن یکی از مهره هایشان، خودشان اسباب افشا شدن دزدی انجام شده را فراهم می کنند.

* یک سوال و پاسخ:

شاید بپرسید: چرا باید خودشان بدزدند و خودشان افشا کنند؟!

پاسخش این است:

برای اینکه ذهن مردم را پُر کنند از انواع سوال ها و از این طریق مردم را در ادامه مسیر بحق شان دلسرد کنند و از صحنه حمایت از انقلاب اسلامی خارج کنند.

۳- پس مراقب باشیم

زیرا کسانی با من و شما دشمن هستند که در این کشور «کاپیتولاسیون» داشته اند و برای برگرداندن دوباره آن، از همه ابزارها استفاده می کنند.

دزد پرورش می دهند، فیلم می سازند، دروغ می بافند و همه و همه این رفتارها برای این است که «مردم را دلسرد کنند و از صحنه حمایت از انقلاب اسلامی خارج کنند»

اما، مردم می دانند که همیشه تاریخ افرادی ضعیف النفسی بوده اند که دامن حکومت های صالح را آلوده می کرده اند.

نهج البلاغه، پُر است از توبیخات امام علی علیه السلام از کسانی که در طول حکومت حدود چهار ساله آن حضرت به بیت المال دست داری کرده اند.

و تاریخ آینده، پُر خواهد شد از اعدام دزدان بیت المال، در نظام اسلامی ایران.

* یک نکته جالب

ژاپنی ها، که امروز اسیر «کاپیتالاسیون» آمریکائی ها هستند، بعد از اینکه مورد حمله اتمی قرار گرفتند و بیش از صد هزار کشته دادند، تن به خفت کاپیتالاسیون دادند و ...

اما

اما

اما

شاه بزدل و بی عرضه ایران، فقط با اخم آمریکائی ها تن به این خفت داد.

شاه دنیاپرست و ریاست پرست ایران، فقط با تشر پنهانی آمریکائی ها، ملت بزرگ ایران را در مقابل آمریکائی ها این چنین تحقیر کردند و ...

تا اینکه امام خمینی به عنوان مظهر غیرت ملت ایران، از ماجرا اطلاع یافت و با مطالعه متن صورت مذاکرات مجلس، به جزئیات آن آگاه شد. به جوشش آمد و بلافاصله مراجع و علمای قم را به تشکیل جلسه هفتگی فرا خواند و با ارسال تلگرام و پیک هایی علمای سایر شهرها را در جریان امر قرار داد.

و پس از در یک سخنرانی در منزل خودشان که جمعیت کم نظیری در آن اجتماع کرده بودند پس از ذکر مقدمه ای، ضمن شرح لایحه کاپیتولاسیون که در مجلس به تصویب رسید نتایج سیاسی - اجتماعی آن را با ذکر مثال هائی این چنین خاطر نشان ساخت:

«اگر یک خادم آمریکائی یا یک آشپز آمریکائی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پای خود منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه های ایران حق محاکمه ندارند! ... باید پرونده به آمریکا برود و در آنجا ارباب ها تکلیف را معین کنند... دولت [ایران] با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد. ملت ایران را از سگ های آمریکائی پست تر کردند! .. چرا؟! برای اینکه می خواستند وام بگیرند آمریکا خواست که این کار انجام شود.»

و در ادامه این سخنرانی آن امام والامقام بود که ملت ایران قیام کرد و توی دهن دهنده و گیرنده کاپیتولاسیون زد.

همان قیامی که اگر مردم ژاپن از رهبری مثل امام خمینی (ره) برخوردار بود، قیام می کرد و خودش را از این خفت نجات می داد. اکنون جای این سوال است:

آیا ممکن است که «کسانیکه دنبال کاپیتولاسیون هستند»، مردمی مثل مردم ایران را با داشتن چنین ملتی و چنین رهبری و چنین قیامی، بحال خود بگذارند؟

این آن چیزی است که باید مراقبش باشیم.